



وزارت دادگستری

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - تصمصم نامه - قراردادها - رویه های قضائی - اساسنامه - تصویب نامه - آئین نامه - مجسمه و آگهیها

شماره ۱۱۰۳۰			شنبه هجدهم دی ماه ۱۳۶۱		سال سی و هشتم
بهای اشتراک			بهای آگهیها		
روزنامه	نشریه ثبت علائم و اختراعات	نشریه قوانین	آگهی های ثبت شرکتها ثبت علائم و دعوت مجامع عمومی سطر ۹۰ ریال		
یکماه ۵۰۰۰ ریال	یکماه ۴۰۰ ریال	یکماه ۵۰۰ ریال	آگهی های حصر وراثت و ابلاغ دادخواست سطر ۵۰ ریال		
ششماه ۲۰۰۰ ریال	ششماه ۲۰۰ ریال	ششماه ۲۰۰ ریال	آگهی های دولتی اعم از مزایده و مناقصه سطر ۱۰۰ ریال		

که سجنی علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است بمنزله خطاء شبیه عمد است.

مقدار دیه قتل نفس

ماده ۳ - دیه قتل مرد مسلمان یکی از اسور ششگانه ذیل است که جانی در انتخاب هریک از آنها مخیر میباشد و تلفیق آنها جایز نیست.

۱ - یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۲ - دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۳ - یک هزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۴ - دویست دست لباس سالم از حله های یمن.

۵ - یک هزار دینار مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر دینار یکمشتال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است.

۶ - ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۹ نخود نقره میباشد.

تبصره - پرداخت قیمت هریک از اسور ششگانه در صورت تراضی طرفین کافیت و اگر تلفیق بعنوان پرداخت قیمت یکی از اسور ششگانه باشد کافی است.

ماده ۴ - دیه قتل عمد در سواری که قصاص ممکن نباشد و یا ولی مقتول به دیه راضی شود یکی از اسور ششگانه فوق خواهد بود لکن فقط در خصوص شتر لازم است که سن آنها از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد.

مهلت پرداخت دیه

ماده ۵ - دیه قتل خواه عمدی خواه غیر عمدی اگر در خصوص حرم مکه معظمه یا در یکی از چهار ماه حرام (رجب - ذیقعد - ذیحجه - محرم) واقع شود یکی از شش چیز گذشته است به اضافه یک ثلث (یک سوم) هر نوعی که انتخاب کرده است و سایر امکته و از سنه دارای این حکم نیستند هر چند متبرک باشد.

ماده ۶ - دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است.

ماده ۷ - دیه زن و مرد در جراحتها یکسان است تا اینکه مقدار دیه جراحت به ثلث (یک سوم) دیه کامل برسد آنگاه دیه جراحت زن نصف دیه جراحت مرد خواهد بود.

ماده ۸ - مهلت پرداخت دیه در موارد مختلف بترتیب زیر است:

الف - دیه قتل عمد باید در ظرف یکسال پرداخت شود و تاخیر از آن بدون تراضی طرفین جایز نیست.

ب - دیه قتل شبیه عمد در ظرف دو سال پرداخت میشود.

قوانین و مقررات عمومی

۱۳۶۱/۱۰/۸

شماره ۸۰۵۱۴
وزارت دادگستری

قانون مجازات اسلامی (دیات) که بنا بر تصمصم مجلس شورای اسلامی در جلسه روز یکشنبه ۱۳۶۱/۴/۲ تصویب آن طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی به کمیسیون اسور قضائی تفویض شده بود تا پس از تصویب برای مدت پنج سال بصورت آزمایشی بمرحله اجراء درآید در جلسه روز چهارشنبه ۱۳۶۱/۹/۲۴ کمیسیون مذکور تصویب و مورد تایید شورای نگهبان قرار گرفت و طی نامه شماره ۲۲/۱۳۵۵۵ مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۶ ریاست جمهوری به نخست وزیر واصل گردیده است برای اجرا بپیوست ابلاغ میگردد.

نخست وزیر - میرحسین موسوی

مبحث سوم

دیات

تعریف

ماده ۱ - دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیاء دم او داده میشود.

موارد دیه

ماده ۲ - دیه در موارد زیر ثابت میشود:

الف - قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطاء محض واقع میشود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقعه شده بر او را مانند آنکه تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید.

ب - قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطاء شبیه عمد واقع میشود و آن در صورتی که جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمیشود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد مانند آنکه کسی را به قصد تادیب بتجوی که نوعاً سبب جنایت نمیشود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد یا طبیعی سبباً بیماری را بطور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود.

ج - دیه در موارد قصاص که در محل خود ذکر شده است.

تبصره ۱ - جنایتهای عمدی دیوانه و نابالغ بمنزله خطاء محض است.

تبصره ۲ - در صورتیکه در دادگاه ثابت شود جنایتهای عمدی که به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن طرف انجام شود و بعداً معلوم گردد

ج - دیه قتل خطاء محض در ظرف سه سال پرداخت میشود .

تبصره - دیه قتل جنین و نیز دیه نقص عضو یا جرح بترتیب فوق پرداخت میشود .

مسئول پرداخت دیه

ماده ۹ - مسئول پرداخت دیه در قتل عمد و شبهه عمد خود قاتل است و مسئول پرداخت آن در قتل خطاء محض عاقله قاتل است که باید رأساً بپردازد و حق مراجعه به قاتل را ندارد .

ماده ۱۰ - اگر قاتل در شبهه عمد حتی یا مهلت طولانی قادر بپرداخت دیه نباشد کسان اوبه ترتیب الاقرب و فالاقرب باید بپردازند و اگر آنها نباشند یا نداشته باشند از بیت المال داده میشود .

(عاقله) مسئول پرداخت دیه جانیهای خطائی

ماده ۱۱ - دیه قتل خطاء محض و همچنین دیه جراحت (موضعه) و دیه جراحت های عمیق تر از آن بعهده عاقله میباشد و دیه جراحت های کمتر از آن بعهده خود جانی است .

تبصره - جنایت عمد و شبهه عمد نابالغ و دیوانه بمنزله خطاء محض و برعهده عاقله میباشد .

ماده ۱۲ - عاقله عبارتست از بستگان نزدیک ابوی یا ابی مانند پدر و جد پدری و برادر و پسر و عمو و پسران عمو .

ماده ۱۳ - زن جزء عاقله محسوب نمیشود و عهده دار دیه خطائی نخواهد بود و همچنین نابالغ و دیوانه .

ماده ۱۴ - عاقله اگر فقیر باشد عهده دار دیه نمی باشد .
ماده ۱۵ - هرگاه قتل خطائی با گواهی شهود عادل ثابت شود عاقله عهده دار دیه خواهد بود ولی اگر با اقرار جانی ثابت شود خود جانی ضامن است .
ماده ۱۶ - هرگاه اصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعی گردد که خطاء انجام شده و عاقله منکر خطائی بودن آن باشد در صورتیکه عاقله سوگند یاد کند قول عاقله مقدم بر قول جانی میباشد .

ماده ۱۷ - جنایت های خطائی که شخص برخوردش وارد آورد بعهده خود اوست و همچنین اتلاف های مالی که بطور خطاء محض انجام شود بعهده شخص تلف کننده است و عاقله عهده دار هیچگونه خسارتهای مالی در مورد اتلاف خطائی و ساندن آن نیست و فقط در خصوص قتل و جرح خطائی محض عهده دار میباشد .

ماده ۱۸ - دیه خطاء محض بر عاقله بترتیب طبقات ارث توزیع میشود .
ماده ۱۹ - هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد دیه از بیت المال پرداخت میشود .

ماده ۲۰ - دیه عمد و شبهه عمد برجانی است لکن اگر فرار کند از مال او گرفته میشود و اگر مال نداشته باشد از بستگان نزدیک او با رعایت الاقرب فالاقرب گرفته میشود و اگر بستگانی نداشت یا تمکن نداشتند دیه از بیت المال داده میشود .

موجبات ضمان

ماده ۲۱ - جنایت اعم از آنکه بمباشرت انجام شود یا به تسبیب یا به اجتماع مباشر و سبب موجب ضمان خواهد بود .
ماده ۲۲ - بمباشرت آنست که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد .

ماده ۲۳ - تسبیب در جنایت آنست که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً بر تکبب جنایت نشود مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند .

ماده ۲۴ - در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد .

ماده ۲۵ - هرگاه طبیعی گرچه حاذق و متخصص باشد در معالجه هائی که شخصاً انجام میدهد یا دستور آن را صادر میکند هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود ضامن است مگر اینکه قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او براءت حاصل نماید .

ماده ۲۶ - هرگاه خسته کننده در اثر بریدن بیش از مقدار لازم موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است گرچه ماهر بوده باشد .

ماده ۲۷ - هرگاه بیطار و دامپزشک گرچه متخصص باشد در معالجه

حیوانی هر چند با اذن صاحب او باشد موجب خسارت شود ضامن است مگر اینکه قبل از درمان از صاحب حیوان براءت حاصل نماید .

ماده ۲۸ - هرگاه طبیب یا بیطار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا از صاحب حیوان براءت حاصل نماید ، عهده دار خسارت بدید آمده نخواهد بود .

ماده ۲۹ - هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری شود جنایت او بمنزله خطاء محض بوده و عاقله او عهده دار خواهد بود .

ماده ۳۰ - هرگاه کسی چیزی را به همراه خود یا با وسیله نقلیه و مانند آن حمل کند و به شخص دیگری برخورد نموده موجب جنایت گردد در صورت عمد یا شبهه عمد ضامن میباشد و در صورت خطاء محض ، عاقله او عهده دار میباشد .

ماده ۳۱ - هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا سنگی را بسوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او گردد انجام دهد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی که باعث وحشت میشود و بر اثر این ارباب آن شخص بمیرد اگر این عمل نوعاً کشنده باشد یا با قصد قتل انجام شود گرچه نوعاً کشنده نباشد ، قتل عمد محسوب شده و موجب قصاص است و اگر این عمل نه نوعاً کشنده و نه با قصد قتل انجام بگیرد قتل شبهه عمد محسوب شده و دیه آن برعهده قاتل است .

ماده ۳۲ - هرگاه کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص در حال فرار خود را از جای بلندی پرت کند یا به درون چاهی بیفتد و بمیرد در صورتیکه آن ترساندن موجب زوال اراده و اختیار و مانع تصمیم گیری او گردد ترساننده ضامن است .

ماده ۳۳ - هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و روی شخصی بیفتد و سبب جنایت گردد در صورتی که قصد انجام جنایت را نداشته باشد و کاری را که با قصد انجام داده نوعاً سبب جنایت نباشد عهده دار دیه خواهد بود و اگر خواست بجائی که کسی در آنجا نبود پرت شود و اتفاقاً بجائی افتاد که شخصی در آنجا بود عاقله او عهده دار دیه خواهد بود ولی اگر در اثر لغزش یا علل قهری دیگر و بی اختیار بجائی پرت شود و موجب جنایت گردد نه خودش ضامن است نه عاقله اش .

ماده ۳۴ - هرگاه کسی به دیگری صدمه وارد کند و یا کسی را پرت کند و او بمیرد یا مجروح گردد در صورتیکه نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد نموده است نوعاً سبب جنایت نباشد عهده دار دیه آن خواهد بود .

ماده ۳۵ - هرگاه کسی دیگری را بروی شخص ثالث پرت کند و آن شخص ثالث بمیرد یا مجروح گردد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد کرده است نوعاً سبب جنایت نباشد ضامن دیه میباشد .
ماده ۳۶ - هرگاه کسی در ملک خود یا مکان سیاح دیگر یا راه وسیع عمومی توقف کرده باشد و دیگری به او برخورد نماید و مصدوم گردد آن شخص متوقف عهده دار هیچگونه خسارت نخواهد بود .

ماده ۳۷ - هرگاه کسی در جایی متوقف باشد که توقف در آنجا جائز نیست مانند راه تنگ و دیگری اشتباهاً و بدون قصد به او برخورد کند و بمیرد شخص متوقف ضامن دیه خواهد بود و همچنین اگر موجب لغزش رهگذر و آسیب آنها شود ضامن خسارت میباشد مگر آنکه عابر با وسعت راه عمداً قصد برخورد داشته باشد که در این صورت نه تنها خسارت او هدر است بلکه عهده دار خسارت شخص متوقف نیز خواهد بود .

اشتراک در جنایت

ماده ۳۸ - هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند هر دو سوار باشند یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده باشد در صورت شبهه عمد نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت میشود و در صورت خطاء محض نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری است .

ماده ۳۹ - هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد یکی از آنها کشته شود در صورت شبهه عمد نصف دیه مقتول برد دیگری است و در صورت خطاء محض نصف دیه مقتول بر عاقله دیگری است .

تبصره - هرگاه کسی اتفاقاً و بدون قصد به شخصی برخورد کند و موجب آسیب او شود خطاء محض بوده و عاقله او عهده دار خسارت مصدوم میباشد .

ماده ۴۰ - هرگاه در اثر برخورد دو سوار ، وسیله نقلیه آنها مانند اتوبیل

خسارت ببیند در صورتی که تصادم و برخورد بهر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچکدام مقصر نباشند هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و اگر یکی از آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است.

تبصره - تقصیر اعم است از بی احتیاطی، بی میلانی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی.

ماده ۴۱ - هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد باهم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبهه عمد راننده هر یک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود و در صورت خطاهای محض عافله هر کدام عهده دار نصف دیه تمام سرنشینان میباشد و اگر برخورد یکی از آن دو شبهه عمد و دیگری خطاهای محض باشد ضمان بر حسب مورد پرداخت خواهد شد.

تبصره - در صورتیکه برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده ها باشد مانند آنکه در اثر ریزش کوه یا طوفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچگونه ضمانتی در بین نیست.

ماده ۴۲ - هرگاه شخصی که شبانه از منزلش خوانده و بیرون برده اند مفقود شود دعوت کننده ضامن دیه او است و اگر کشته یافت شود در صورتیکه ادعا و اقامه بینه کند که دیگری او را کشته تبرئه میگردد و اگر چنین ادعائی نکند و یا بینه اقامه ننماید فقط ضامن دیه خواهد بود و اگر ثابت شود که به سرگ عادی یا علل قهری در گذشته چیزی بر عهده دعوت کننده نیست.

ماده ۴۳ - هرگاه در معبر عام یا هرجائیکه تصرف در آن مجاز نباشد چاهی بکند یا سنگ یا چیز لغزنده ای بر سر راه او قرار دهد یا هر عملی که موجب آسیب یا خسارت رهگذر و مانند آن گردد عهده دار دیه یا خسارت خواهد بود ولی اگر در ملک خود او یا در جایی که تصرف او در آن مجاز است واقع شود عهده دار دیه یا خسارت نخواهد بود.

تسبیب در جنایت

ماده ۴۴ - هرگاه در ملک دیگری با اذن او یکی از کارهای فوق را انجام دهد و موجب آسیب یا خسارت شخص ثالث شود عهده دار دیه یا خسارت نمی باشد.

ماده ۴۵ - هرگاه در معبر عام عملی به مصلحت عابران انجام شود که موجب وقوع جنایت یا خسارتی گردد در صورتیکه عامل اقدامی نماید که عرفاً دلالت به مطلع شدن عابرین بنماید ضامن دیه و خسارت نخواهد بود.

ماده ۴۶ - هرگاه کسی یکی از کارهای مذکور ماده ۴۳ را در منزل خود انجام دهد و شخصی را که در اثر ناپایداری یا تاریکی آگاه به آن نیست بمنزل خود بخواند عهده دار دیه و خسارت خواهد بود و اگر آن شخص بدون اذن صاحب منزل یا با اذنی که تیل از انجام اعمال مذکور از صاحب منزل گرفته است وارد شود و صاحب منزل مطلع نباشد عهده دار هیچگونه دیه یا خسارت نمی باشد.

ماده ۴۷ - هرگاه در اثر یکی از عوامل طبیعی مانند سیل و غیره یکی از چیزهای فوق حادث شود و موجب آسیب و خسارت گردد هیچکس ضامن نیست گرچه تمکن بر طرف کردن آنها را داشته باشد و اگر سیل یا مانند آن چیزی را به همراه آورد و کسی آن را بجائی مانند محل اول یا بدتر از آن قرار دهد عهده دار دیه و خسارت های وارد خواهد بود و اگر آنرا از وسط جاده بردارد و بگوشه ای برای مصلحت عابرین قرار دهد عهده دار چیزی نمیشد.

ماده ۴۸ - هرگاه کسی در ملک دیگری عدواناً یکی از کارهای مذکور در ماده ۴۳ را انجام دهد و شخص ثالثی که عدواناً وارد آن ملک شده آسیب ببیند عامل عدوانی عهده دار دیه و خسارت میباشد.

ماده ۴۹ - هرگاه کسی کلاهی را که به منظور خرید و فروش عرضه میشود یا وسیله نقلیه ای را در معبر عام قرار دهد و موجب خسارت گردد عهده دار آن خواهد بود مگر آنکه مصلحت عابران ایجاب کرده باشد که آنها را موقتاً در معبر قرار دهد.

ماده ۵۰ - هرگاه کسی چیز لغزنده ای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده دار دیه و خسارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ عاقل یا سبیز عمداً به روی آنها پاشد.

ماده ۵۱ - هرگاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قرار دهد و در اثر حوادث پیش بینی نشده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود عهده دار نخواهد بود مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که عادتاً ساقط میشود.

ماده ۵۲ - هرگاه ناودان یا بالکن منزل و امثال آن که موجب زیان به معبر و رهگذر باشد در اثر سقوط موجب آسیب یا خسارت شود مالک آن منزل عهده دار خواهد بود و اگر نصب و قرار دادن آن جایز بوده و موجب ضرری نباشد لکن اتفاقاً سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت گردد مالک منزل عهده دار آن نخواهد بود.

ماده ۵۳ - هرگاه کسی در ملک خود یا ملک مجرای دیگری دیواری را با پایه محکم بنا کرده لکن در اثر حادثه پیش بینی نشده مانند زلزله سقوط کند و موجب خسارت گردد صاحب آن عهده دار خسارت نمیشد و همچنین اگر آن دیوار را بسبب ملک خود بنا نموده که اگر سقوط کند طبعاً در ملک او سقوط خواهد کرد لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت شود صاحب آن عهده دار چیزی نخواهد بود.

ماده ۵۴ - هرگاه دیواری را در ملک خود بطور مستدل و بدون سبب به یکطرف بنا نماید لکن تدریجاً مایل به سقوط بسبب ملک دیگری شود اگر قبل از آنکه صاحب دیوار تمکن اصلاح آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد چیزی بر عهده صاحب دیوار نیست و اگر بعد از تمکن از اصلاح یا سهل انگاری سقوط کند و موجب خسارت شود مالک آن ضامن میباشد.

ماده ۵۵ - هرگاه کسی دیوار دیگری را منحرف و سایل بسقوط نماید آنگاه دیوار ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد آن شخص عهده دار خسارت خواهد بود.

ماده ۵۶ - هرگاه کسی در ملک خود به مقدار نیاز یا زائد بر آن آتش روشن کند و بداند که بجائی سرایت نمی کند و عادتاً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً بجای دیگر سرایت کند و موجب تلف یا خسارت شود ضامن نخواهد بود.

ماده ۵۷ - هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند که عادتاً به محل دیگر سرایت نمینماید یا بداند که بجای دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده دار آن خواهد بود گرچه به مقدار نیاز خود روشن کرده باشد.

ماده ۵۸ - هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند و آتش بجائی سرایت نماید و سرایت با واستناد داشته باشد ضامن تلف و خسارتهای وارد میشود گرچه به مقدار نیاز خود روشن کرده باشد.

ماده ۵۹ - هرگاه کسی در ملک دیگری بدون اذن صاحب آن یا در معبر عام بدون رعایت مصلحت رهگذر آتش را روشن کند که موجب تلف یا خسارت گردد ضامن خواهد بود گرچه او قصد اتلاف یا اضرار را نداشته باشد.

تبصره - در کلیه مواردی که روشن کننده آتش عهده دار تلف و آسیب اشخاص نمیشد باید راهی برای فرار و نجات آسیب دیدگان نباشد و گرچه روشن کننده آتش عهده دار نخواهد بود.

ماده ۶۰ - هرگاه کسی آتشی را روشن کند و دیگری مال شخصی را در آن بیندازد و بسوزاند عهده دار تلف یا خسارت خواهد بود و روشن کننده آتش ضامن نیست.

ماده ۶۱ - صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن آنرا میداند باید آنرا حفظ نماید و اگر در اثر اهمال و سهل انگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان عهده دار میباشد و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران در آن هست آگاه نباشد یا آنکه آگاه باشد ولی توانایی حفظ آن را نداشته باشد و در نگهداری او کوتاهی نکند عهده دار خسارتش نیست.

ماده ۶۲ - هرگاه حیوانی به کسی حمله کند و آن شخص بعنوان دفاع از خود به مقدار لازم او را دفع نماید و همین دفاع موجب سردن یا آسیب دیدن آن حیوان شود شخص دفاع کننده ضامن نمیشد و همچنین اگر آن حیوان را از هجوم به نفس یا مال محترم بعنوان دفاع به مقدار لازم باز دارد و همین کار موجب تلف یا آسیب او شود عهده دار نخواهد بود.

تبصره - هرگاه در غیر مورد دفاع یا در مورد دفاع بیش از مقدار لازم به آن آسیب وارد شود شخص آسیب رساننده ضامن میباشد.

ماده ۶۳ - هرگاه با سهل انگاری و کوتاهی مالک، حیوانی به حیوان دیگر حمله کند و آسیب برساند مالک آن عهده دار خسارت خواهد بود و هرگونه خسارتی بر حیوان حمله کننده و مهاجم وارد شود کسی عهده دار آن نمیشد.

زائد برارش به جانی سسترد شود .

ماده ۸۰ - ديه سرهای مجموع دوايرو در صورتیکه هرگز نروید پانصد دینار است و ديه هر کدام دويست و پنجاه دینار و ديه هر مقدار از یک ابرو بهمان نسبت خواهد بود و اگر دوباره روئیده شود در همه موارد ارش است و اگر مقداری از آن دوباره روئیده شود و مقدار دیگر هرگز نروید نسبت به آن مقدار که مجدداً روئیده شود ارش است و نسبت به آن مقدار که روئیده نمیشود ديه یا احتساب مقدار ساحت تعیین میشود .

ماده ۸۱ - از بین بردن مژه و سوهای پلک چشم موجب ارش است خواه دوباره برود خواه نروید و خواه تمام آن باشد و خواه بعضی آن .

ماده ۸۲ - از بین بردن سایر سوهای بدن غیر از آنچه بیان شد فقط موجب ارش است نه ديه .

ماده ۸۳ - از بین بردن مو در صورتی موجب ديه یا ارش میشود که بتهائی باشد نه یا از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن که در این موارد فقط ديه عضو قطع شده یا ساند آن پرداخت میگردد .

دیه چشم

ماده ۸۴ - از بین بردن دو چشم سالم موجب ديه کامل است و ديه هر کدام از آنها نصف ديه کامل خواهد بود .

تبصره - تمام چشمهائی که بینائی دارند در حکم فوق یکسانند گرچه از لحاظ ضعف و بیماری و شکوری و لوچ بودن با یکدیگر فرق داشته باشند .

ماده ۸۵ - چشمی که در سایه آن لکه سفیدی باشد اگر مانع دیدن نباشد ديه آن کامل است و اگر مانع مقداری از دیدن باشد بطوریکه تشخیص ممکن باشد بهمان نسبت از ديه کاهش مییابد و اگر بطور کلی مانع دیدن باشد در آن ارش است نه ديه .

ماده ۸۶ - ديه چشم کسی که دارای یک چشم سالم و بینا باشد و چشم دیگری نابینای مادرزاد بوده یا در اثر بیماری یا علل غیرجنائی از دست رفته باشد ديه کامل است و اگر چشم دیگری را در اثر قصاص یا جنایتی از دست داده باشد ديه آن نصف ديه است .

ماده ۸۷ - کسی که دارای یک چشم بینا و یک چشم نابینا است ديه چشم نابینای او ثلث ديه کامل است خواه چشم او خلقتاً نابینا بوده است یا در اثر جنایت نابینا شده باشد .

ماده ۸۸ - ديه مجموع چهار پلک دو چشم ديه کامل خواهد بود و ديه پلکهای بالا ثلث ديه کامل و ديه پلکهای پائین نصف ديه کامل است .

دیه بینی

ماده ۸۹ - از بین بردن تمام بینی دفعتاً یا نرماً آن که پائین قصب و استخوان بینی است موجب ديه کامل است و از بین بردن مقداری از نرماً بینی موجب همان نسبت از ديه میباشد .

ماده ۹۰ - از بین بردن مقداری از استخوان بینی بعد از بریدن نرماً آن موجب ديه کامل و ارش میباشد .

ماده ۹۱ - فاسد نمودن و شکستن و سوزاندن بینی در صورتیکه اصلاح نشود موجب ديه کامل است و اگر بدون عیب جبران شود موجب یکصد دینار میباشد .

ماده ۹۲ - فلج کردن بینی موجب دو ثلث ديه کامل است و از بین بردن بینی فلج موجب ثلث ديه کامل میباشد .

ماده ۹۳ - از بین بردن هر یک از سوراخهای بینی موجب ثلث ديه کامل است و سوراخ کردن بینی بطوریکه هردو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود یا آنکه آن را سوراخ نماید در صورتیکه باعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث ديه کامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس ديه میباشد .

دیه گوش

ماده ۹۴ - از بین بردن مجموع دو گوش ديه کامل دارد و از بین بردن هر کدام نصف ديه کامل و از بین بردن مقداری از آن موجب ديه همان مقدار یا رعایت نسبت به تمام گوش خواهد بود .

ماده ۹۵ - از بین بردن نرماً گوش ثلث ديه آن گوش را دارد و از بین بردن قسمتی از آن موجب ديه بهمان نسبت خواهد بود .

ماده ۹۶ - پاره کردن گوش ثلث ديه دارد .

ماده ۹۷ - فلج کردن گوش دو ثلث ديه و بریدن گوش فلج ثلث ديه را دارد .

تبصره ۱ - گوش سالم و شنوا و گوش کر در حکم فوق یکسانند .

ماده ۹۸ - هرگاه کسی باذن وارد خانه ای بشود و سگ خانه به او آسیب برساند صاحب خانه ضامن میباشد خواه آن سگ قبلاً در خانه بوده یا بعداً وارد شده باشد و خواه صاحب خانه بداند که آن حیوان او را آسیب میرساند و خواه نداند .

ماده ۹۹ - کسی که سوار بر حیوانی است یا از جلو زمام آن را میکشد عهده دار خسارتی است که آن حیوان با سروگردن یا دستهای خود وارد کند نه آنچه را که با پاهایش وارد میکند مگر آنکه حیوان اختیار از راکب یا زمام دار خود بگیرد و او هم آگاه نباشد و آن حیوان نیز سرکش نباشد و کسی که حیوان را از پشت سر میراند ضامن تمام خسارتهائی است که آن حیوان وارد میکند .

ماده ۱۰۰ - هرگاه کسی حیوانی را در جایی متوقف نماید ضامن تمام خسارتهائی است که آن حیوان وارد میکند خواه با سرو دست و خواه پا یا .

ماده ۱۰۱ - هرگاه کسی حیوانی را بزند و آن حیوان در اثر زدن خسارتی وارد نماید آن شخص زننده عهده دار خسارتهائی وارد خواهد بود .

ماده ۱۰۲ - هرگاه کسی سوار بر حیوانی باشد و دیگری از جلو زمام آن را بکشد یا از پشت سر آن را براند و آن حیوان یا سربا دست یا پای خود خسارتی وارد کند خسارتهائی که با جلوی بدن حیوان وارد شود راکب و زمام دار یا راکب و سائق مشترکاً ضامن میباشد و خسارتی که با پای او وارد شد فقط سائق (یعنی کسی که او را از پشت سر میراند) ضامن است .

اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب

ماده ۱۰۳ - هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی یکی بنحو سبب و دیگری بنحو مباشر دخالت داشته باشد در صورتیکه تأثیر هر دو برابر هم باشد یا تأثیر مباشر بیشتر باشد فقط مباشر ضامن است .

ماده ۱۰۴ - هرگاه در صورت دخالت سبب و مباشر در ارتکاب جنایت تأثیر سبب بیشتر از تأثیر مباشر باشد فقط سبب وقوع جنایت ضامن خواهد بود .

ماده ۱۰۵ - هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی بنحو سبب دخالت داشته باشند نه مباشرت کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی بکند و دیگری سنگ لغزنده را در کنار او قرار دهد که عابر بسبب برخورد با سنگ به چاه بیفتد که در این موارد فقط کسی که سنگ لغزنده را گذاشت ضامن است و چیزی برعهده کسی که چاه را کنده نیست .

تبصره - در موارد فوق هر کدام که متجاوز باشد ضامن خواهد بود .

ماده ۱۰۶ - هرگاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارتی شوند بطور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود .

ماده ۱۰۷ - هرگاه بر اثر ایجاد سببی دو نفر تصادم کنند و باعث تصادم کشته شوند یا آسیب ببینند سبب ضامن خواهد بود .

ماده ۱۰۸ - هرگاه کسی مال و متاع خودش را برای رفع خطر و ضرر احتمالی و بگفته دیگری اتلاف نماید کسی عهده دار آن نمیشود مگر آنکه دیگری عهده دار خسارت اوشده باشد .

دیه اعضاء

ماده ۱۰۹ - هر جنایتی که بر عضو کسی وارد شود و شرعاً مقدار خاصی بعنوان ديه برای آن تعیین نشده باشد جانی باید ارش بپردازد .

ماده ۱۱۰ - هرگاه کسی موی سر یا صورت مردی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید عهده دار ديه کامل خواهد بود و اگر دوباره بروید نسبت به موی سر ضامن ارش است و نسبت به ریش ثلث ديه کامل را عهده دار خواهد بود .

ماده ۱۱۱ - هرگاه کسی موی سر زنی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید ضامن ديه کامل زن میباشد و اگر دوباره بروید عهده دار مهر المثل خواهد بود و در این حکم فرقی میان کوچک و بزرگ نیست .

تبصره - اگر مهر المثل بیش از ديه کامل باشد فقط به مقدار ديه کامل پرداخت میشود .

ماده ۱۱۲ - هرگاه مقداری از سوهای از بین رفته دوباره بروید و مقداری دیگر نروید نسبت مقداری که نروید با تمام سر ملاحظه میشود و ديه بهمان نسبت دریافت میگردد .

ماده ۱۱۳ - تشخیص روئیدن مجدد مو و نروئیدن آن با خبره است و اگر طبق نظر خبره ديه یا ارش پرداخت شد و بعد از آن دوباره روئید باید مقدار

تبصره ۲ - هرگاه آسیب رساندن به گوش به حس شنوایی سرایت کند و به آن آسیب رساند یا موجب سرایت به استخوان و شیکستن آن شد برای هر کدام دیه جداگانه ای خواهد بود .

دیه لب

ماده ۹۸ - از بین بردن مجموع دولب دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام از لبها نصف دیه کامل و از بین بردن هر مقداری از لب موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام لب خواهد بود .

ماده ۹۹ - جنایتی که لبها را جمع کند و در اثر آن دندانها را نبوشاند موجب مقداری است که حاکم آن را تعیین مینماید .

ماده ۱۰۰ - جنایتی که موجب سست شدن لبها بشود بطوری که با خنده و مانند آن از دندانها کتاو نرود موجب دولت دیه کامل میباشد .

ماده ۱۰۱ - از بین بردن لبهای فلج و بی حس ثلث دیه دارد .

ماده ۱۰۲ - شکافتن هر دولب بطوریکه دندانها نمایان شوند موجب ثلث دیه کامل است و در صورت اصلاح و خوب شدن خمس دیه کامل و شکافتن یک لب بطوریکه دندانها نمایان شوند موجب ثلث دیه لب و در صورت خوب شدن خمس دیه لب خواهد بود .

دیه زبان

ماده ۱۰۳ - از بین بردن تمام زبان سالم یا لال کردن انسان سالم با ضربه مغزی و مانند آن دیه کامل دارد و بریدن تمام زبان لال ثلث دیه کامل خواهد بود .

ماده ۱۰۴ - از بین بردن مقداری از زبان لال موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام زبان خواهد بود ولی دیه قسمتی از زبان سالم به نسبت از دست دادن قدرت ادای حروف خواهد بود .

ماده ۱۰۵ - تعیین مقداری دیه جنایتی که بر زبان وارد شده و موجب از بین رفتن حروف نشود لکن باعث عیب گردد با تعیین حاکم خواهد بود .

ماده ۱۰۶ - هرگاه مقداری از زبان را کسی قطع کند که باعث از بین رفتن قدرت ادای مقداری از حروف باشد و دیگری مقدار دیگر را که باعث از بین رفتن مقداری از بقی حروف گردد دیه به نسبت از بین رفتن قدرت ادای حروف میباشد .

ماده ۱۰۷ - بریدن زبان کودک قبل از حد سخن گفتن موجب دیه کامل است .

ماده ۱۰۸ - بریدن زبان کودکی که بعد سخن گفتن رسیده ولی سخن نمیگوید ثلث دیه دارد و اگر بعداً معلوم شود که زبان او سالم و قدرت تکلم داشته دیه کامل محسوب و بقیه از جانی گرفته میشود .

ماده ۱۰۹ - هرگاه جنایتی موجب لال شدن گردد و دیه کامل از جانی گرفته شود و دوباره زبان به حال اول برگردد و سالم شود دیه مسترد خواهد شد .

دیه دندان

ماده ۱۱۰ - از بین بردن تمام دندانهای بیست و هشتگانه دیه کامل دارد و برترتیب زیر توزیع میشود :

۱ - هر یک از دندانهای جلو که عبارتند از پیشین و چهارتائی و نیش و از هر کدام دودعد در بالا و دودعد در پایین میروید و جمعاً دوازده تا خواهد بود - پنجاه دینار و دیه مجموع آنها شصت دینار میشود .

۲ - هر یک از دندانهای عقب که در چهار ست پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده تا خواهد بود - بیست و پنج دینار و دیه مجموع آنها چهارصد دینار میشود .

ماده ۱۱۱ - دندانهای اضافی به هرنام که باشد و بهر طرز که روئیده شود دیه ای ندارد و اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود مقدار جریمه آن با تعیین حاکم معلوم میشود و اگر هیچگونه نقصی حاصل نشود جریمه مالی نخواهد داشت ولی در صورت تعدی بعنوان تعزیر بنظر حاکم بدهده تا پنجاه ضربه شلاق محکوم میشود .

ماده ۱۱۲ - هرگاه دندانها از بیست و هشت تا کمتر باشد بهمان نسبت از دیه کامل کاهشی سیاید خواه خلقتاً کمتر باشد یا در اثر عارضه ای کم شده باشد .

ماده ۱۱۳ - غرقی میان دندانهای که دارای رنگهای گوناگون میباشد نیست و اگر دندانی در اثر جنایت سیاه شود و نیفتد دیه آن دولت دیه همان دندان است که سالم باشد و دیه دندانی که قبلاً سیاه شده ثلث همان دندان سالم است .

ماده ۱۱۴ - شکاف (اشقاق) دندان که بدون کندن و از بین بردن آن باشد با تعیین حاکم جریمه مالی او معلوم میشود .

ماده ۱۱۵ - شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقاء ریشه دیه کامل آن دندان را دارد و اگر بعد از شکستن مقدار مزبور کسی بقیه را از ریشه بکند جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود خواه کسی که بقیه را از ریشه کنده همان کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته یا دیگری .

ماده ۱۱۶ - کندن دندان شیریه کودک که دیگر بجای آن دندان نروید دیه کامل آنرا دارد و اگر بجای آن دندان بروید دیه بر دندان شیریه که کنده شد یک شتر میباشد .

ماده ۱۱۷ - دندانی که کنده شود دیه کامل دارد گرچه همان را در محلش قرار دهند و دوباره مانند سابق شود .

ماده ۱۱۸ - هرگاه دندان دیگری بجای دندان اصلی کنده شده فرارگیرد و مانند دندان اصلی شود کندن آن دیه کامل دارد .

دیه گردن

ماده ۱۱۹ - شکستن گردن بطوریکه گردن کج شود دیه کامل دارد .

ماده ۱۲۰ - جنایتی که موجب کج شدن گردن شود و همچنین جنایتی که مانع فرو بردن غذا گردد جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود .

ماده ۱۲۱ - هرگاه جنایتی که موجب کج شدن گردن و همچنین مانع فرو بردن غذا شده اثر آن زائل گردد دیه ندارد فقط باید ارش پرداخت شود گرچه بعد از برطرف شدن اثر آن با دشواری بتواند گردن را مستقیم نگه بدارد یا غذا را فرو ببرد .

دیه فک

ماده ۱۲۲ - از بین بردن مجموع دوفک دیه کامل دارد و دیه هر کدام آنها پانصد دینار میباشد و از بین بردن مقداری از هر یک موجب دیه مساحت همان مقدار است و دیه از بین بردن یک فک با مقداری از فک دیگر نصف دیه با احتساب دیه مساحت فک دیگر خواهد بود .

ماده ۱۲۳ - دیه فک مستقل از دیه دندان میباشد و اگر فک بادنندان از بین برود دیه هر یک جداگانه محسوب میگردد .

ماده ۱۲۴ - جنایتی که موجب نقص فک شود یا باعث دشواری و نقص جویدن گردد جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود .

دیه دست

ماده ۱۲۵ - از بین بردن مجموع دو دست تا مفصل و مچ دیه کامل دارد و دیه هر کدام از دستها نصف دیه کامل است خواه مجنی علیه دارای یک دست باشد و دست دیگر را خلقتاً یا در اثر سانحه ای فاقد باشد و خواه دارای دو دست بوده باشد .

ماده ۱۲۶ - دیه قطع انگشتان هر دست آنها یا تاسج پانصد دینار است .

ماده ۱۲۷ - جریمه بریدن کف دست که خلقتاً بدون انگشت بوده و یا در اثر سانحه ای بدون انگشت شده است با نظر حاکم تعیین میشود .

ماده ۱۲۸ - دیه قطع دست تا آرنج پانصد دینار است خواه دارای کف باشد و خواه نباشد و همچنین دیه قطع دست تا شانه پانصد دینار است خواه آرنج داشته باشد خواه نداشته باشد .

دیه شست که بر دویند تقسیم میگردد.

دیه دنده

ماده ۱۴۵ - دیه هریک از دنده‌هایی که در پهلوی چپ واقع شده و محیط به قلب میباشد بیست و پنج دینار و دیه سایر دنده‌ها ده دینار است.

دیه استخوان زیر گردن

ماده ۱۴۶ - شکستن مجموع دو استخوان ترقوه دیه کامل دارد و به شکستن هر کدام از آنها که درمان نشود با عیب درمان شود نصف دیه کامل است و اگر بخوبی درمان شود چهل دینار میباشد.

دیه نشیمن گاه

ماده ۱۴۷ - شکستن نشیمن گاه که موجب شود مجنی علیه قادر به ضبط مدفوع نباشد دیه کامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد و قادر به ضبط با دنباشد جریمه‌ای با نظر حاکم تعیین میشود.

ماده ۱۴۸ - ضربه‌ای که به حد فاصل بیضه‌ها و دبر واقع شود و موجب عدم ضبط ادرار و مدفوع گردد دیه کامل دارد و همچنین اگر ضربه به مخرج دیگری وارد آید که در اثر آن ضبط ادرار و مدفوع در اختیار مجنی علیه نباشد. ماده ۱۴۹ - اگر در اثر فشاری که بوسیله پا یا چیز دیگر بر شکم مجنی علیه وارد آید و باعث خروج بول یا غائط شود باید ثلث دیه کامل پرداخت شود. ماده ۱۵۰ - از بین بردن بکارت دختر با انگشت که باعث شود او نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر دیه کامل زن، مهر المثل نیز دارد.

دیه استخوانها

ماده ۱۵۱ - دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن میباشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن چهارینجم دیه شکستن آن است. و دیه کوبیدن آن ثلث دیه آن عضو و در صورت درمان بدون عیب چهارینجم دیه کوبیدن عضو میباشد. ماده ۱۵۲ - در جدا کردن استخوان از عضو بطوریکه آن عضو بی فائده گردد دوثلث دیه همان عضو است و اگر بدون عیب درمان شود، دیه آن چهارینجم دیه اصل جدا کردن میباشد.

دیه عقل

ماده ۱۵۳ - هر جنایتی که موجب زوال عقل گردد دیه کامل دارد و اگر موجب نقصان آن شود ارش دارد. ماده ۱۵۴ - از بین بردن عقل یا کم کردن آن موجب قصاص نخواهد شد. ماده ۱۵۵ - هرگاه در اثر جنایتی مانند ضربه مغزی و شکستن سر یا بریدن دست، عقل زائل شود برای هر کدام دیه جداگانه خواهد بود و تداخل نمیشود. ماده ۱۵۶ - هرگاه در اثر جنایتی عقل زائل شود و دیه کامل از جانی دریافت شود و دوباره عقل برگردد دیه مسترد میشود و جریمه آن با نظر حاکم تعیین خواهد شد. ماده ۱۵۷ - مرجع تشخیص زوال عقل یا نقصان آن خبره معتمد میباشد و اگر در اثر اختلاف رأی خبرگان زوال یا نقصان عقل ثابت نشود قول جانی یا سوگند مقدم بر قول مجنی علیه است.

دیه حس شنوائی

ماده ۱۵۸ - از بین بردن حس شنوائی مجموع دو گوش دیه کامل و از بین بردن حس شنوائی یک گوش نصف دیه کامل دارد خواه شنوائی یکی از آن دو قویتر از دیگری باشد یا نباشد. ماده ۱۵۹ - هرگاه کسی فاقد حس شنوائی یکی از گوش‌ها باشد کر کردن گوش سالم او نصف دیه دارد. ماده ۱۶۰ - هرگاه معلوم باشد که حس شنوائی بر نمیگردد یا خبره گواهی دهد که بر نمیگردد دیه مستقر میشود و اگر خبره امید به برگشت آن را داشته و با سپری شدن مدت انتظار، حس شنوائی برنگردد دیه استغفار پیدامیکند و اگر شنوائی قبل از دریافت دیه برگردد ارش ثابت میشود و اگر بعد از دریافت آن برگردد دیه مسترد نمیشود و اگر مجنی علیه قبل از دریافت دیه بمیرد دیه ثابت خواهد بود.

ماده ۱۲۹ - دیه دستی که دارای انگشت است اگر بیش از مفصل و میچ قطع شود یا بالاتر از آنچ قطع گردد یا نصف دینار است با ضافه آنچه که حاکم با د نظر گرفتن مساحت زائد تعیین میکند.

ماده ۱۳۰ - کسیکه از میچ یا آنچ یا شانه‌اش دو دست داشته باشد دیه دست اصلی یا نصف دینار است و جریمه دست زائد با نظر حاکم تعیین میگردد و اگر یک نفر هردو را قطع کند یا بدیه اصل و جریمه زائد را بپردازد خواه با هم یا جداگانه قطع کند.

تشخیص دست اصلی و زائد بنظر خبره خواهد بود.

ماده ۱۳۱ - دیه ده انگشت دو دست و همچنین دیه ده انگشت دو پادیه کامل خواهد بود. دیه هر انگشت عشر دیه کامل است.

ماده ۱۳۲ - دیه هر انگشت به عدد پندهای آن انگشت تقسیم میشود و بریدن هر بندی از انگشتهای غیر شست ثلث دیه انگشت سالم و در شست نصف دیه شست سالم است.

ماده ۱۳۳ - دیه انگشت زائد ثلث دیه انگشت اصلی است و دیه پندهای زائد ثلث دیه بند اصلی است.

ماده ۱۳۴ - دیه فلج کردن هر انگشت دوثلث دیه انگشت سالم است و دیه قطع انگشت فلج ثلث دیه انگشت سالم است.

دیه ناخن

ماده ۱۳۵ - کندن ناخن بطوریکه دیگر نرئود یا فاسد و سیاه بر روی دینار و اگر سالم و سفید بر روی پنج دینار است.

دیه ستون فقرات

ماده ۱۳۶ - شکستن ستون فقرات دیه کامل دارد خواه اصلا درمان نشود یا بعد از علاج بصورت کمان و خمیدگی در آید یا آنکه بدون عصا نتواند راه برود یا توانائی جنسی او از بین برود یا مبتلا به سلس و ریزش ادرار گردد و نیز دیه جنایتی که باعث خمیدگی پشت شود یا آنکه قدرت نشستن یا راه رفتن را سلب نماید دیه کامل خواهد بود.

ماده ۱۳۷ - هرگاه بعد از شکستن یا جنایت وارد نمودن بر ستون فقرات معالجه موثر نشود و اثری از جنایت نماند جانی باید یکصد دینار بپردازد.

ماده ۱۳۸ - هرگاه شکستن پشت باعث فلج شدن هردو پا شود برای شکستن دیه کامل و برای فلج دویا دوثلث دیه کامل منظور میگردد.

دیه نخاع

ماده ۱۳۹ - قطع تمام نخاع دیه کامل دارد و قطع بعضی از آن بنسبت مساحت خواهد بود.

ماده ۱۴۰ - هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود اگر آن عضو دارای دیه معین باشد بر دیه کامل قطع نخاع افزوده میگردد و اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد جریمه‌ای که با نظر حاکم تعیین میشود بر دیه کامل قطع نخاع افزوده خواهد شد.

دیه بیضه

ماده ۱۴۱ - قطع مجموع دو بیضه دفتاً دیه کامل و قطع بیضه چپ دوثلث دیه و قطع بیضه راست ثلث دیه دارد.

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست.

ماده ۱۴۲ - دیه ایجاد فتق دو بیضه چهارصد دینار است و اگر ایجاد فتق موجب زوال قدرت راه رفتن شود دیه آن هشتصد دینار خواهد بود.

دیه پا

ماده ۱۴۳ - قطع مجموع دویا که حد آن از مفصل ساق است - دیه کامل دارد و دیه هر کدام از پاها نصف آن میباشد.

ماده ۱۴۴ - دیه مجموع ده انگشت با دیه کامل است و دیه هر کدام از انگشت‌ها عشر دیه کامل میباشد و دیه هر انگشت بر سه بند توزیع میشود مگر

ماده ۱۷۶ - در صورتیکه حسن چشائی برگردد دیه مسترد میشود.

ماده ۱۷۷ - اگر اختلاف جانی و مجنی علیه در زوال یا نقصان حسن چشائی یا آزمایش یا سراجمه به دو متخصص عادل بر طرف نشود یا قسامه مدعی حسب مورد حکم برفع او صادر میشود.

دیه صوت و گویائی

ماده ۱۷۸ - از بین بردن صوت شخص بطور کامل که نتواند صدایش را آشکار کند دیه کامل دارد گرچه بتواند با اخفات و آهسته صدایش را برساند.

ماده ۱۷۹ - از بین بردن گویائی بطور کامل که نتواند اصلاً سخن بگوید دیه کامل دارد.

ماده ۱۸۰ - جریمه جنایتی که سوجب نقصان صوت شود بطوری که نتواند صدایش را صریح برساند با نظر حاکم تعیین میشود.

ماده ۱۸۱ - جریمه جنایتی که باعث از بین رفتن صوت نسبت به بعضی از حروف شود باید با رعایت مصالحه معلوم گردد.

دیه سلس و ریزش ادرار

ماده ۱۸۲ - جنایتی که موجب سلس و ریزش ادرار شود بترتیب زیر دیه معین دارد:

الف - در صورت دوام آن در کلیه ایام و تا پایان هر روز دیه کامل دارد.
ب - در صورت دوام آن در کلیه روزها و تا نیمی از هر روز دو ثلث دیه دارد.
ج - در صورت دوام آن در کلیه روزها و تا هنگام برآمدن روز ثلث دیه دارد.

تبصره - هرگاه سلس و ریزش ادرار در بعضی از روزها بود و بعداً خوب شود جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود.

ماده ۱۸۳ - هر جنایتی که سوجب زوال یا نقص بعضی از منافع گردد مانند: خواب - لمس یا موجب پدید آمدن بعضی از بیماریها شود و دیه آن معین نشده است جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود.

ماده ۱۸۴ - جریمه اعمال ارتكابی زیر با نظر حاکم تعیین میشود:
الف - باعث از بین رفتن انزال شود.
ب - قدرت تولید مثل و بارداری را از بین ببرد.
ج - لذت مقاربت را از بین ببرد.

ماده ۱۸۵ - جنایتی که باعث از بین رفتن اصل مقاربت بطور کامل شود دیه کامل دارد.

دیه جراحت سرو صورت

ماده ۱۸۶ - دیه جراحت سرو صورت بترتیب زیر است:

۱ - حارصه - خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود - یک شتر.
۲ - دامیه - خراشی که از پوست بگذرد و مقدار اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان خون باشد کم یا زیاد - دو شتر.

۳ - متلاحمه - جراحتی که مقدار زیادی از گوشت را فرا گیرد لکن نیوست نازک روی استخوان نرسد - سه شتر.

۴ - سمحاق - جراحتی که تمام گوشت را فرا گرفته و نیوست نازک روی استخوان برسد - چهار شتر.

۵ - موضجه - جراحتی که تمام گوشت را فرا گرفته و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کرده - پنج شتر.

۶ - هاشمه - عملی که استخوان را بشکند گرچه جراحتی را تولید نکرده باشد - ده شتر.

۷ - منقله - جراحتی که درمان آن جز با جابجا کردن استخوان میسر نباشد - پانزده شتر.

۸ - سامویه - جراحتی که به کیسه مغز برسد ثلث دیه کامل دارد.

۹ - داسفه - جراحتی که کیسه مغز را پاره کند غیر از ثلث دیه کامل جریمه ای که با نظر حاکم تعیین میشود بر او افزوده میگردد.

ماده ۱۸۷ - هرگاه یکی از جراحتهای فوق در غیر سرو صورت واقع شود در صورتیکه آن عضو دارای دیه معین باشد باید نسبت دیه آن را باید دیه کامل متعین آنگاه به مقدار همان نسبت دیه جراحتهای فوق را که در غیر سرو صورت واقع میشود تعیین گردد. و در صورتیکه آن عضو دارای دیه معین نباشد ارشی آن با نظر حاکم تعیین میشود.

ماده ۱۶۱ - هرگاه با بریدن هردو گوش شنوائی از بین برود دیه کامل لازم است و هرگاه با بریدن یک گوش حسن شنوائی بطور کلی از بین برود یک دیه کامل و نصف دیه لازم میشود و اگر با جنایت دیگری حسن شنوائی از بین برود هم دیه جنایت لازم است و هم دیه شنوائی.

ماده ۱۶۲ - هرگاه خبره گواهی دهد که شنوائی از بین نرفته ولی در اجرای آن نقصی رخ داده که مانع شنوائی است همان دیه شنوائی ثابت است.

ماده ۱۶۳ - هرگاه کودک در اثر کسر شدن لال بشود علاوه بر دیه شنوائی با نظر حاکم پرداخت جریمه ای برای لال شدن مجکوم میشود.

ماده ۱۶۴ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه در صورتی که با نظر خبرگان معتمد یا آزمایش موضوع روشن نشود، مجنی علیه با قسامه دیه را دریافت خواهد کرد.

دیه بینائی

ماده ۱۶۵ - از بین بردن بینائی هردو چشم دیه کامل دارد و از بین بردن بینائی یک چشم نصف دیه کامل دارد.

تبصره - قرقی در حکم مذکور بین چشم تیزبین یا لوح و مانند آن نمیشد.
ماده ۱۶۶ - هرگاه با کندن حدقه چشم، بینائی از بین برود دیه آن بیش از دیه کندن حدقه نخواهد بود و اگر در اثر جنایت دیگر مانند شکستن سر، بینائی از بین برود هم دیه جنایت لازم است و هم دیه بینائی.

ماده ۱۶۷ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه با گواهی دوسر خبره عادل یا یک خبره مرد و دوزن خبره عادل به اینکه بینائی از بین رفته و دیگر بر نمی گردد یا اینکه بگویند بر میگردد، ولی مدت آن را تعیین نکنند دیه ثابت میشود و همچنین اگر برای برگشت آن مدتی تعیین نمایند و آن مدت سپری شود و بینائی برنگردد دیه ثابت خواهد بود.

و هرگاه مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت تعیین شده بمیرد دیه استقرار مییابد و همچنین اگر دیگری حدقه او را بکند دیه بینائی بر جانی اول ثابت خواهد بود.

و هرگاه بینائی برگردد و شخص دیگری آن چشم را بکند، برجانی اول فقط ارش لازم مییابد.

ماده ۱۶۸ - هرگاه مجنی علیه مدعی شود که بینائی هردو چشم یا یک چشم او کم شده یا آزمایش و سنجش با همسالان یا با مقایسه با چشم دیگرش تفاوت، پرداخت میشود.

ماده ۱۶۹ - هرگاه مجنی علیه ادعا کند که بینائی او زائل شده و شهادتی از متخصصان درین نباشد، حاکم او را با قسامه سوگند میدهد و برفع او حکم صادر میکند.

تبصره - قسامه در این مورد شش قسم است اعم از آنکه پنج نفر دیگر و خود مدعی قسم یاد کنند یا کمتر یا خود مدعی به تنهائی.

دیه حسن بویائی

ماده ۱۷۰ - از بین بردن حسن بویائی هردو مجرای بینی دیه کامل دارد و در صورت از بین بردن بویائی یک مجری نصف دیه است و قاضی قبل از صدور حکم باید به طرفین تکلیف صلاح بنماید.

ماده ۱۷۱ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه هرگاه با آزمایش یا با سراجمه به دو متخصص عادل از بین رفتن حسن بویائی یا کم شدن آن ثابت نشود با قسامه (طبق تبصره ماده ۱۶۸) برفع مدعی حکم میشود.

ماده ۱۷۲ - هرگاه حسن بویائی قبل از پرداخت دیه برگردد جریمه ای که با نظر حاکم تعیین میشود پرداخت خواهد شد و اگر بعد از آن برگردد باید مصالحه نمایند و اگر مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت انتظار برگشت بویائی بمیرد دیه ثابت میشود.

ماده ۱۷۳ - هرگاه در اثر بریدن بینی حسن بویائی از بین برود دو دیه لازم میشود و همچنین اگر در اثر جنایت دیگر بویائی از بین رفت دیه جنایت بر دیه بویائی افزوده میشود و اگر آن جنایت دیه معین نداشته باشد جریمه ای که با نظر حاکم تعیین میگردد بر دیه بویائی اضافه خواهد شد.

دیه چشائی

ماده ۱۷۴ - جریمه از بین بردن حسن چشائی با نظر حاکم تعیین میشود.

ماده ۱۷۵ - هرگاه با بریدن زبان حسن چشائی از بین برود بیش از دیه زبان نخواهد بود و اگر با جنایت دیگری حسن چشائی از بین برود دیه یا جریمه آن جنایت بر دیه حسن چشائی افزوده میگردد.

دیه جراحی که به درون انسان وارد میشود

ماده ۱۸۸ - دیه جراحی که به درون انسان وارد میشود بترتیب زیر است:
الف - جائفه - (جراحی که با هر وسیله و از هر راه به درون بدن انسان برسد) ثلث دیه کامل است.
ب - هرگاه وسیله ای از یکطرف بدن فرو رفته و از طرف دیگر بیرون آمده باشد دوثلث دیه کامل دارد.

دیه جراحی که در اعضاء انسان فرو میرود

ماده ۱۸۹ - هرگاه نیزه یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتیکه مجنی علیه برسد باشد دیه آن یکصد دینار و در صورتیکه زن باشد ارش آن بانظر حاکم تعیین میشود.

دیه جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست یا تورم میشود

ماده ۱۹۰ - دیه ضربتی که در اثر آن رنگ متغیر و یا بدن متورم گردد به قرار زیر است:

الف - سیاه شدن صورت بدون جراحت و شکستگی شش دینار.

ب - سبز شدن صورت سه دینار.

ج - سرخ شدن صورت یکصد دینار و نیم.

د - در سایر قسمتهای بدن در صورت سیاه شدن سه دینار و در صورت سبز شدن یکصد دینار و نیم و در صورت سرخ شدن سه دینار است.

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست و همچنین فرقی نیست میان تغییر رنگ تمام صورت یا قسمتی از آن و نیز فرقی نیست بین آنکه اثر جنایت مدتی بماند یا زائل گردد.

ماده ۱۹۱ - جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست سر شود ارش آن بانظر حاکم معلوم میگردد و اگر موجب تورم و تغییر رنگ شود ارش آن بر دیه که قبلاً بیان شد افزوده میشود.

ماده ۱۹۲ - دیه فلج کردن هر عضوی که دیه معین دارد دوثلث دیه همان عضو است و دیه قطع کردن عضو فلج ثلث دیه همان عضو است.

ماده ۱۹۳ - هرگاه مجنی علیه ولی نداشته باشد دادستان کل کشور بمنزله ولی او است و موظف است حق او را بدون غلو استیفا نماید.

ماده ۱۹۴ - دیه سقط جنین بترتیب زیر است:

۱ - دیه نطفه که در رحم مستقر شده است دینار.

۲ - دیه علقه که خون بسته است چهل دینار.

۳ - دیه مضغه که به صورت گوشت درآمده است شصت دینار.

۴ - دیه جنین در مرحله ای که بصورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نروئیده است هشتاد دینار.

۵ - دیه جنین که گوشت و استخوان بندگی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده یکصد دینار.

تبصره - در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نمیباشد.

۶ - دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل.

ماده ۱۹۵ - هرگاه در اثر کشتن مادر، جنین سقط شود دیه جنین در هر مرحله ای که باشد بر دیه مادر افزوده میشود.

ماده ۱۹۶ - هرگاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در هر مرحله ای که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی نمیرد.

ماده ۱۹۷ - هرگاه چند جنین در یک رحم باشند بعدد هریک از آنها دیه جداگانه خواهد بود.

ماده ۱۹۸ - دیه اعضاء جنین و جراحات آن نسبت دیه همان جنین است.

ماده ۱۹۹ - دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه عمد بر عهده جانی است و در موارد خطای محض بر عاقله اوست خواه روح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد.

ماده ۲۰۰ - سقط جنین قبل از پیدایش روح، کفاره ندارد و کفاره و همچنین دیه کامل او بعد از احرار حیات او خواهد بود.

دیه جنایتی که بر مرده وارد میشود

ماده ۲۰۱ - دیه جنایتی که بر مرده مسلمان واقع میشود بترتیب زیر است:

الف - بریدن سر یکصد دینار.

ب - بریدن هر دو دست یا هر دو پا یکصد دینار و بریدن یک دست یا یک پا پنجاه دینار و بریدن یک انگشت از دست یا یک انگشت از پا ده دینار و قطع یا

نقص سایر اعضاء و جوارح بهمین نسبت ملحوظ میگردد.

تبصره ۱ - فرقی در حکم مذکور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست.
تبصره ۲ - دیه مذکور در این ماده بعنوان میراث بدوخته نمیرسد بلکه مال خود میت محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت میگردد و در راههای خیر صرف میشود.

دیه جنایت بر حیوان

ماده ۲۰۲ - هرگاه کسی حیوان حلال گوشت دیگری را که گوشت آن معمولاً خوراکی است بدون اذن صاحب آن یا ذبح شرعی بکشد باید تفاوت بین زنده و ذبح شده آنرا بپردازد و گرنه باید قیمت روز اتلاف پرداخت شود.

تبصره ۱ - اجزاء قابل استفاده سردار مانند پشم و سو و کرک متعلق به صاحب حیوان است و از قیمت آن کم میشود.

تبصره ۲ - صاحب حیوان حق ندارد حیوان ذبح شده را برگرداند و حتماً خواهان مثل یا قیمت آن شود.

تبصره ۳ - هرگاه حیوان ذبح شده بطور کلی بی ارزش شود بمنزله آنست که سردار شده باشد.

ماده ۲۰۳ - قطع یا شکستن اعضاء حیوان در صورتیکه زنده بماند موجب پرداخت تفاوت میان سالم و معیوب میباشد و در صورتیکه باعث تلف شدن او بشود موجب قیمت آن میگردد.

ماده ۲۰۴ - هرگاه حیوان حرام گوشت که با ذبح شرعی استفاده از آن جایز است، با ذبح شرعی از بین برود باید تفاوت قیمت پرداخت شود و اگر از راه غیر شرعی کشته گردد قیمت زنده آن پرداخت میشود و اجزاء قابل استفاده آن متعلق به صاحب حیوان است و از قیمت آن کم میشود.

ماده ۲۰۵ - حیوان حلال گوشت که عادتاً گوشت آنها خورده نمیشود مانند اسب، ذبح شرعی آنها بمنزله سردار نمودن آنها و موجب پرداخت تمام قیمت خواهد بود.

ماده ۲۰۶ - اتلاف اشیائی از مسلمان که قابل تملک مسلمین نمیباشد مانند: خوک و شراب ضامن آور نیست.

دیه سگها

ماده ۲۰۷ - دیه سگ بترتیب زیر است:

۱ - سگ شکاری چهل درهم خواه آموزش یافته باشد یا نباشد.

۲ - سگ گله بیست درهم.

۳ - سگ نگهبان منزل یا باغ بیست درهم.

۴ - سگ سزعه، محصول یک هکتار غله مانند گندم.

تبصره ۱ - غیر از سگهای مذکور هیچ سگی ملک مسلمان نخواهد شد و اتلاف آن نیز ضمانتی ندارد.

تبصره ۲ - آنچه بعنوان دیه برای از بین بردن سگها بیان شده است نباید از آنها تجاوز نمود و چیزی را بعنوان قیمت سگ دریافت کرد.

ماده ۲۰۸ - هرگاه سگی غصب شود و بدون اتلاف غاصب از بین برود غاصب ضامن قیمت آن خواهد بود نه دیه آن و هرگاه نقص یا عیبی بدون جنایت بر آن وارد شود غاصب عهده دار ارش آن میباشد.

ماده ۲۰۹ - جنایت بر سگی که دیه دارد موجب ارش میشود و به همان نسبت از دیه پرداخت میگردد.

ماده ۲۱۰ - در کلیه مواردیکه بموجب مقررات این قانون ارش منظور گردیده و یا تعیین خسارت بنظر قاضی و اگذار شده است قاضی با در نظر گرفتن دیه کامله انسان و نوع و کیفیت جنایت و میزان خسارت وارده مقدار دیه و خسارت را تعیین مینماید.

ماده ۲۱۱ - کلیه قوانینی که با این قانون مغایر باشند، ملغی است.
قانون فوق مشتمل بر دویست و یازده ماده و بیست و نه تبصره طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در جلسه روز چهارشنبه بیست و چهارم آذرماه یک هزار و سیصد و شصت و یک بتصویب کمیسیون امور قضائی مجلس شورای اسلامی رسیده و شورای محترم نگهبان در تاریخ اول دیماه یک هزار و سیصد و شصت و یک آنرا تأیید نموده است و برای مدت پنج سال از تاریخ تصویب بصورت آزمایشی قابل اجراء است.

رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی